

۱- شعر دوره تجدید: جریانی که با تغییر ساختارهای سیاسی و اجتماعی ایران، به ویژه تحولات دوره انقلاب مشروطه پدید آمد و بر ایجاد تحول در شعر فارسی دامن زد. از جمله شاعران ممتاز این جریان می توان به عارف قزوینی، تقی رفعت، میرزاده عشقی و ابوالقاسم لاهوتی اشاره داشت.

۲- جریان های موازی شعر نیمایی: همزمان با نیما و پس از او، شاعرانی کوشیدند تا بیشتر با الهام از ادبیات اروپایی، تحولی در شعر فارسی پدید آورند. تندرکیا، ش. پرتو و هوشنگ ایرانی را می توان از جمله اینها دانست که مساعی شان طرفدار نیافت.

۳- نوپردازی در قالب های سنتی: گروهی که عقیده داشتند ذهن و زبان شاعر باید نو شود و قالب ها محدودیتی تحمیل نمی کنند، همزمان با رواج شعر نیمایی سعی بر آن داشتند تا بدون گریز از ویژگی های نظم سنتی فارسی، زبان خود را در قالب های تازه بیان کنند. اینها تحول پیشنهادی نیما را تا حد شعر افسانه قبول داشتند ولی فراتر از آن را در آثار خود پذیرا نبودند. از جمله این شاعران می توان محمدحسین شهریار، مهدی حمیدی، پرویز ناتل خانلری، مجدالدین میرفخرایی و در سال های پس از آن سیمین بهبهانی را نام برد.

۴- شعر نیمایی: در همان آغاز تحت تاثیر شعرهای نیما، دو گرایش اصلی به وجود آمد. گرایش نخست ضمن آنکه شکستن افاعیل عروضی را پذیرفته بود، بیشتر دقت خود را بر زیبایی و شیوایی بیان قرار داده، شعر را به توصیف احساسات و عواطف درونی شاعر اختصاص می داد. از جمله شاعران برجسته این گرایش می توان به فریدون توللی، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، محمد زهری، سیاوش کسرای، سهراب سپهری، محمود کیانوش، ژاله اصفهانی، پروین دولت آبادی، حمید مصدق و... اشاره کرد.

گرایش دوم شعر نیمایی به آن دسته از آثار نیما اقتدا کرده است که اندیشه ها و تصاویر در زبانی ابهام انگیز مطرح شده. از شمار این شاعران می توان به اسماعیل شاهرودی، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث، نصرت رحمانی، م. آزاد، فروغ فرخزاد، منوچهر آتشی، یدالله رویایی، محمدعلی سپانلو و... اشاره کرد.

۵- شعر سپید: در اصل شاخه ای از شعر نیمایی به شمار می آید اما در بند وزن عروضی نیست. برجسته ترین نماینده این شاخه از شعر نو فارسی را می توان احمد شاملو دانست. اسماعیل شاهرودی، بیژن جلالی، طاهره صفارزاده، شمس لنگرودی، کیومرث منشی زاده و... از جمله مهمترین شاعران این شاخه از شعر نو به شمار می روند.

۶- موج نو: از نظر تاریخی از شعر سپید انشعاب یافته است و به دلیل توجه به تصادفی بودن ساختارها، تداوم مضمون در آن کمتر به چشم می خورد. از جمله مهمترین شاعران پیرو این گرایش می توان به احمدرضا احمدی، بیژن الهی، محمدرضا اصلانی، مجید نفیسی، شهریار مالکی و... اشاره کرد.

۷- شاخه های جدید: گرایش هایی که تحت

نام هایی چون موج ناب، نسل سوم، موج سوم و... پدید آمده اند.

روند پیدایش و تکامل شعر نو براساس تقسیم بندی هایی همچون جوهر شعر، ساختمان شعر، زبان و بیان، پشتوانه فرهنگی، همعصری و همزمانی، فعالیت مستمر و موقعیت و تاثیرگذاری انجام شده، کمیت شعرهای موفق و مشهور شاعران در شعر نو از آغاز تا امروز به هفت دهه تقسیم می شود:

دهه اول: ۱۳۱۰-۱۳۰۱، دهه دوم: ۱۳۲۰-۱۳۱۱، دهه سوم: ۱۳۳۰-۱۳۲۱، دهه چهارم: ۱۳۴۰-۱۳۳۱، دهه پنجم: ۱۳۵۰-۱۳۴۱، دهه ششم: ۱۳۶۰-۱۳۵۱، دهه هفتم: ۱۳۷۰-۱۳۶۱

براساس این تقسیم بندی در دهه اول تنها نیما وجود دارد و افسانه او که نقطه آغاز شعر امروز است. در دهه دوم نیز اگرچه تندرکیا به خلق آثاری پرداخت اما همچنان نیما تنها حضور موفق و پررنگ این دوره شاعری می باشد. در دهه سوم از تقسیم بندی، علاوه بر حضور نیما، با شاعرانی چون گلچین گیلانی، پرویز خانلری، فریدون توللی، منوچهر شیبانی، هوشنگ ایرانی، احمد شاملو، اسماعیل شاهرودی، سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج و نصرت رحمانی روبه روییم. در این دوران دو موج جدید «شعرهای دوره ای» و «شعرهای گمراه» نمود چشمگیری دارند.

در ۱۳۲۹ رها، نخستین مجموعه شعر فریدون توللی منتشر گردید. این کتاب را مهم ترین اتفاق [شعری] این سال دانسته اند. رها دارای مقدمه ای است که آن را «مانیفست شاعران رمانتیک» و «بیانیه شعری هواداران رمانتیسم» نامیده اند.

شفیعی کدکنی صدای دلپذیر رمانتیسم را در فاصله سال های ۱۳۲۰ تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می شنود و توللی را در این سال ها صاحب صدایی مشخص در شعر می داند که ادامه رمانتیسم قبلی است که رقیق تر و خالص تر شده است.

پدیده های هنری - اجتماعی فراخاست توقع و ایده آل های ما شکل می گیرند؛ از این رو در مواجهه با تحلیل پدیده ها باید رویکردی منطقی را بر برخوردی شتابزده و عصبی ارجح دانست. تصادفی نیست که شفیعی کدکنی از چند شعر «غنایی بسیار دل انگیز» توللی یاد می کند که «در حد زمان خود متجدد» ند.

در دهه چهارم از این تقسیم بندی علاوه بر حضور پررنگ نیما، با حضور شاعرانی چون هوشنگ ایرانی، احمد شاملو، اسماعیل شاهرودی، فریدون مشیری، محمد زهری، سیاوش کسرای، نصرت رحمانی، هوشنگ ابتهاج، حسین فرهمندی، مهدی اخوان ثالث، نادر نادرپور، منوچهر آتشی و فروغ فرخزاد روبه روییم. در دهه پنجم نیز شاعرانی چون احمد شاملو، اسماعیل شاهرودی، فریدون مشیری، محمد زهری، مفتون امینی، سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج، نصرت رحمانی، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، بیژن جلالی، نادر نادرپور، منوچهر آتشی، یدالله رویایی، م. آزاد، فرخ تمیمی، فروغ فرخزاد، محمود کیانوش، رضا براهنی، م. آرم، منوچهر نیستانی، طاهره صفارزاده،

محمد حقوقی، منصور اوجی، حمید مصدق، شفیعی کدکنی، محمدعلی سپانلو، احمدرضا احمدی و... شاخص های این دورانند که هر یک موجب پدیداری پیشرفت هایی در شعر نو این دهه گردیدند.

دهه ششم از تقسیم بندی های ادبی در برگیرنده نام و حضور شاعرانی است همچون احمد شاملو، فریدون مشیری، مفتون امینی، سیاوش کسرای، هوشنگ ابتهاج، نصرت رحمانی، سهراب سپهری، مهدی اخوان ثالث، نادر نادرپور، منوچهر آتشی، یدالله رویایی، م. آزاد، فرخ تمیمی، رضا براهنی، م. آرم، طاهره صفارزاده، محمد حقوقی، منصور اوجی، پرویز خانلری، سادات اشکوری، شفیعی کدکنی، حمید مصدق، جواد جمالی، محمدعلی سپانلو، احمدرضا احمدی، علی باباچاهی، ضیا موحد، جعفر کوش آبادی، موسوی گرماردی و عمران صلاحی.

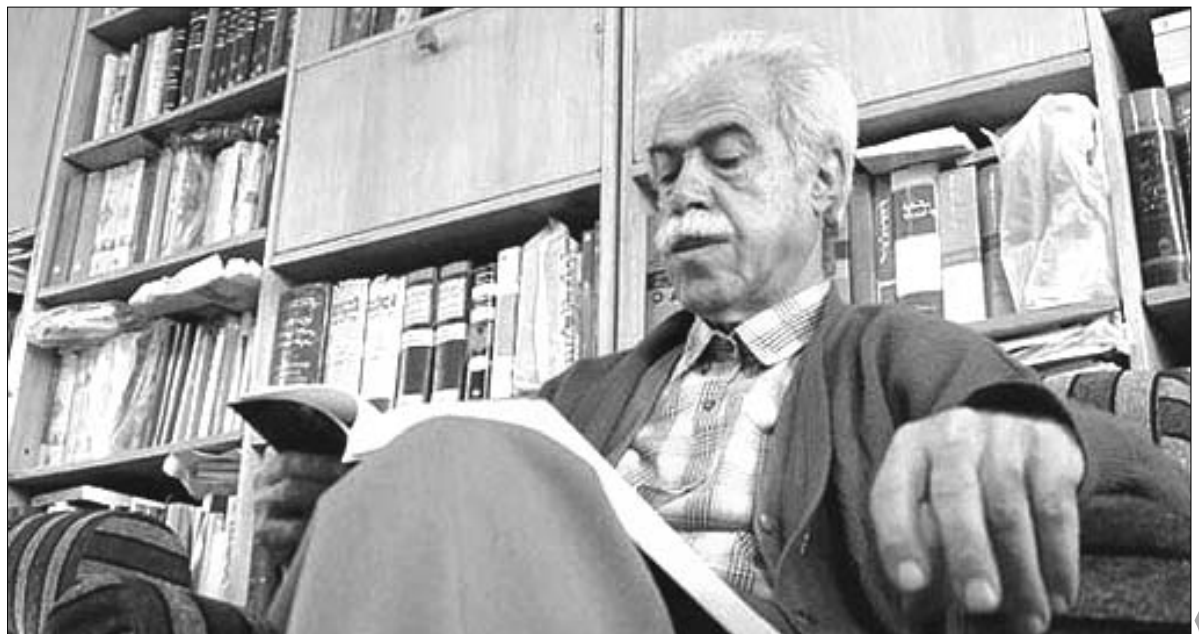
البته در این دوران که سرایش اشعار انقلابی و به ویژه اشعار جنگ دارای رونق بسیار گردیده بود، در این قلمرو نیز شاعرانی چند به سرایش اشعار پرداخته و برخی نیز در این زمینه خوش درخشیده اند؛ چنانکه در این دوران از سرزمین فارس شاعران توانمندی چون شادروان نصرالله مردانی، محمدخلیل جمالی (مذنب) واحد ده بزرگی به سرایش اشعاری در خور توجه پرداخته اند.

نصرالله مردانی شاعر توانمندی بود که در حماسه و عشق و ایثار و نیز گویش محلی کازرون طبع آزموده و از عهده برون آمده بود. جمالی لطافت زندگی را با عشق اهل بیت عجین کرده است و شعرهایش نرم و گیرا و لطیف است. عاشورا در شعرهای احد ده بزرگی موج می زند اگرچه در گویش شیرازی هم طبع آزموده.

علاوه بر اینها شاعران برجسته ای در دوره های مختلف هفتگانه از شیراز برآمدند که برخی از آنها شهرت ملی یافتند. سید علی مزارعی، پیر شعر فارس و از غزل و قصیده سرایان توانمند این دیار است. منصور اوجی از شاعران برجسته فارس است؛ غزلسرا و نوگرا. او را نماینده نوع شعر کوتاه فارسی در شیوه منثور می دانند. پرویز خانلری با انس دیرپای با حافظ غزلسرای نوگرا و نوگرایی اجتماعی است. صدرا ذوالریاستین غزلسرا و حنجره های آفتابی می شود و پساوند گلوی زخمی شعر را با حکایت عشق فریاد می کند. سروهای بلند بالای اولاد، باغ آتش را به بهار و مهتاب پیوند می زند و سخن عشق گلچین دعای زهرا مزارعی می شود. همافر روی میز عصرانه به دنبال جهانی بی پرده می گردد و عطر نارس لیمو را روی پیراهن پرتقال تجربه می کند. به باور حسن لی اگرچه رنگ از رخسار تمام قلم ها پریده است اما رستاخیز کلام را در لیخند آیین می جوید؛ در گویش شیرازی بیژن سمندر شهر شیراز را به نظم می کشد و یدالله طارمی بهار نارنج را به نسیم دلگشا پیوند می زند.

آنچه آمد نشان آن است که سرزمین فارس نیز از دیرباز تا کنون شاهد حضور شاعران ارجمندی بوده که هر یک به نوعی در آرایه مکتب فکری و نگرشی و ادبی خاص به گونه ای نقش تعیین کننده در ادب فارسی داشته اند، چنانکه قله های ادب فارسی در این سرزمین رویداد و پالیده اند. با مروری اجمالی بر تاریخچه شعر معاصر فارس علاوه بر یادآوری حضور ارجمند شاعران گرانمایه، شاعران گرانقدری چون منصور پایمرد، هاشم جاوید، احمد جحتی، ناصر امامی، حسن اجتهادی، محمدامین فصحتی، عزیز شنبانی، سیروس رومی، شهرام شمس پور، کاظم شیعی، عبدالمجید رحمانیان جهرمی، شاپور جورکش، محمدحسین بهرامیان، محمدرضا خالصی، علیرضا نسیمی، علی مرام، هادی محیط، عبدالرضا کوهمال جهرمی، مجید کوهکن، فرحناز کامران محمدی، محمد فخارزاده، رضا علی اکبری، مجتبی صادقی، طاهره خنیا، سیمیندخت وحیدی، زهرا قنبرزاده و... روبه روی شویم که برخی از پیشکسوتان این قلمرو بوده و برخی نیز نوآمدگان خوش درخشش آن می باشند (با احترام و فروتنی نسبت به تمامی شاعران هنرمند ساکن فارس باید خاطر نشان ساخت که در این مقال تنها به شاعران زاده شده در فارس پرداخته شده است). بررسی ویژگی های صورت و محتوای هر یک از اشعار سروده های شاعران و نیز پرداختن به نحله اندیشگی آنان خود مقالی مفصل را باز می جوید.

امید که در آینده ای نه چندان دور پژوهشگران تیزبین، تاریخ شعر معاصر فارس را بنگارند.



● منصور اوجی